

آشنایی با هنر مینیاتور (قسمت دوم)

مژده مراد گنججه

یورش مغولان، ایران را سراسر به خاک و خون کشید. در ابتدای حملات مغولان به ایران، هنر نقاشی به واسطه قتل عام هنرمندان، از رونق افتاد. حملات و فتوحات مغولان که از ۶۱۶ هجری آغاز شده بود، در سال ۶۵۶ هجری و با سقوط مکتب بغداد به سرانجام رسید و حکومت واقعی مغولان با لقب ایلخانیان در ایران آغاز شد.

از این پس با حمایت دانشمندان و فرهیختگان ایرانی همچون «خواجه رشیدالدین فضل‌الله» بازسازی ایران ویران شده آغاز شد و سنت‌های هنری و فرهنگی حیاتی دوباره یافت. حکومت ایلخانیان تا اوایل قرن هشتم هجری قمری شرایط آمیختگی شیوه‌های مختلف نقاشی چون: چینی، بیزانسی، بغدادی و بودایی، با شیوه ایرانی را فراهم آورد. بعد از گذشت چند سال، سران مغول به فکر ترویج هنر افتاده بودند و برای عملی کردن این منظور، عده‌ای از نقاشان چینی را از راه مغولستان به ایران آوردند و تلاش کردند تا نقاشی چینی را در ایران رایج سازند و هنرمندان ایرانی، اگرچه تحت تأثیر این مسئله قرار گرفتند، اما برخلاف نقاشان چینی، هرگز طبیعت را به عنوان نهایی از احساسات و عواطف و به گونه‌ای مجرد و انتزاعی، مورد توجه قرار ندادند و بیش‌تر به انسان و تفکر در حالات انسانی پرداختند و به همین جهت است که کمتر مینیاتور ایرانی را بدون صورت و هیأت انسانی می‌توان یافت.

از طرفی دیگر مینیاتوربست ایرانی، هرگز پیوندهای خود را با شعر، فرهنگ و شیوه‌های تفکر بومی نبریده و افسانه‌ها، اساطیر، قهرمانان ملی، سنن و شیوه‌های زندگی ایرانی، همواره نمودی آشکار در آثار آنان داشته و این وابستگی به زندگی و اعتقادات ملی به حدی نیرومند و قوی است که مینیاتور ایرانی را با نقاط مشترک فراوانی از سایر مکاتب آسیایی جدا می‌کند.

نقاشی دوران مغول، از عهد ایلخانیان تا حمله تیمور، مراحل گوناگون را طی کرد که در این مدت مکاتب تازه هنری پدیدار شد.

این وضعیت به قدری قابل توجه بود که یکی از شاهزادگان تیموری به نام «بایسنقر میرزا» که خطاطی هنرمند بود، سرپرستی امور هنری را در شهر هرات به عهده گرفت.

در این دوران علاوه بر شاهنامه فردوسی، آثار ادبی شعری چون: سعدی و نظامی مورد توجه قرار گرفت و کتاب‌هایی چون بوستان و گلستان سعدی، لیلی و مجنون و خسرو و شیرین نظامی به قلم نقاشان چیره‌دست دوران به تصویر کشیده شد.

در نقاشی‌های مکتب هرات که ویژگی کاملاً ایرانی را بازنمایی می‌کند، همه چیز در کمال اختیار و صراحت ارائه شده و ترکیب‌بندی‌ها ساده اما غنی و جهان آرمانی نقاشی‌ها، آرام و متوازن و شاعرانه است. پیکره‌ها ظریف و دقیق ترسیم شده‌اند.

از معروف‌ترین نام‌آوران نقاشی ایرانی در عصر تیموری می‌توان از کمال‌الدین بهزاد نام برد. مینیاتور در مکتب هرات به قدری پیشرفت کرد و تکامل یافت که می‌توان گفت با همان شرایط به عهد صفوی منتقل شد.

در آغاز حکومت صفوی، تبریز به پایتختی برگزیده شد. مینیاتورهای این دوره



نقاشی دوران قاجار
نقاشی فتح‌علی شاه.



مرد جوان / آثار رضا عباسی
مکتب اصفهان.

، همه در یک نوع و از لحاظ ظرافت کاری و حرکت قلم و طرح و رنگ، دنباله‌رو مکتب هرات بود و فقط مختصری با آن تفاوت داشت. بعد از آن مکتب اصفهان بود که پس از انتقال یافتن پایتخت به اصفهان شکل گرفت و طی آن سبک و شیوه کار دچار دگرگونی‌هایی کاملاً چشمگیر شد که نمونه بارز آن، نقوش تزئینی مساجد اصفهان، کاخ چهل ستون و عمارت عالی قاپو، است.

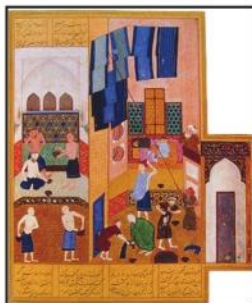
معروف‌ترین نقاش این دوره، رضا عباسی است که در زمان شاه‌عباس دوم صفوی در اصفهان می‌زیست. شاه عباس چون خود نقاش بود، توجه خاصی به گسترش هنر نقاشی داشت و به‌خاطر تشویقی که از هنرمندان به عمل می‌آورد، مینیاتورسازی در دوره او از جهت توسعه، مهارت و سرعت کار نقاشان، ترقی فوق‌العاده‌ای کرد و هنرمندان توانستند در حد وسیعی از هنر چینی فاصله بگیرند و با ساده کردن نقوش و سرعت عمل بیش‌تر، نقاشی را از روی صفحه کاغذ به صورتی دیواری درآورند.

در آثار این دوران، نقوش تزئینی و گردش‌های اسلیمی و ختایی و انواع ساقه‌ها و گلبرگ‌ها بسیار متنوع شده و اشکال آن که قبلاً از چند نوع گل و برگ و اسلیمی ریز تجاوز نمی‌کرد، به بیش از پنجاه نوع اسلیمی و گل ابتکاری بالغ گردیده است.

موضوعی که از اواخر دوره صفوی و بعد از آن خودنمایی کرد، نفوذ سایه روشن در نقاشی ایرانی بود که البته از روش نقاشی اروپایی اقتباس شده و در دوره زندیه ادامه یافت.

سبک و شیوه آثار هنری دوره زند، به استثنای نقوش شاخه‌ها و گل و برگ که

بیش‌تر برای تزئین و طراحی روی جلوه‌های روغنی که اکثراً سطح آنها مشکی بود، استفاده می‌شد. علاوه بر رنگ سفید، گاهی هم مختصر رنگ طلایی و یا رنگ‌های روشن دیگر، در این‌گونه طراحی‌ها استفاده می‌شود.



خمسه نظامی: هارون الرشید در گرمابه
۸۹۹ ق اثر کمال‌الدین بهزاد
مکتب هرات.



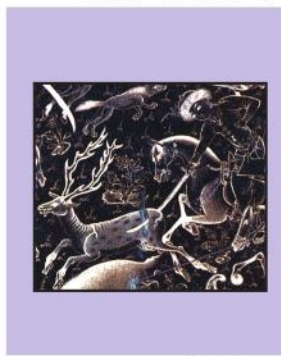
کتاب منافع الحيوان
مکتب تبریز ۶۹۵ ق.



نمونه مینیاتور ابرنگ (روغی)



نمونه سیاه قلم.



نمونه سفید قلم.

اختصاص به آن دوره دارد، در قسمت صورت سازی و سایه روشن‌ها و طراحی تصاویر و مناظر، تفاوت چندانی با شیوه‌های دیگر رایج در ایران ندارد. مکتب نقاشی قاجار، که از زمان فتحعلی شاه رونق یافت، تا حدودی متأثر از سبک شیراز و دارای پرسپکتیو است و به طور مساوی از نقاشی‌های ایرانی و اروپایی مایه گرفته است و در اواخر این دوره، به تدریج نفوذ سبک اروپایی در نقاشی ایران زیاد شده است.

کمال‌الملک هنگامی که جهت مطالعه به ایتالیا و فرانسه سفر کرد، به دلیل این‌که نمی‌توانست یا نمی‌خواست پذیرای سبک نقاشی امپرسیونیسم باشد، به کپی برداری از آثار عصر رنسانس پرداخت و به همین جهت در بازگشت به ایران و تأسیس مدرسه صنایع مستظرفه (کمال‌الملک) در آخرین سال‌های حکومت قاجاریه، به تعلیم شیوه‌های نقاشی عصر رنسانس پرداخت و به همین ترتیب، بعد از گذشت چند سال، شیوه‌های نقاشی قاجار از بین رفت و هنرمندان آزاد به کپی‌برداری شده و با تهیه آثاری از شاهنامه فردوسی و شمایل‌های مذهبی به کار خود ادامه دادند.

بعد از سقوط قاجار، نقاشی ایران دو شکل کاملاً جدا از هم پیدا کرد و هنرمندان در دو دسته مستقل به ارائه آثار خود پرداختند. گروه اول شاگردان کمال‌الملک بودند، که همگی به شیوه خود استاد و اقتباس از طبیعت کار می‌کردند و دسته دوم افرادی بودند که با استفاده از تکنیک‌های مختلف و به وسیله رنگ روغن یا ابرنگ، مینیاتورهای ریز یا تابلوهای بزرگ نقاشی می‌کردند و موضوعات تابلوهای آنان را، بیش‌تر مسایل و موضوعات ملی تشکیل می‌داد.

از میان استادان حاضر، افرادی نظیر علی کریمی، محمود فرشچیان، تجویدی و... اکثراً از آموزش دیدگان مدرسه صنایع قدیم هستند و هر کدام صمیمانه در جهت حفظ و نگهداری این هنر ارزنده کوشیده‌اند. هم‌اینک نبض مینیاتور در اصفهان می‌تپد و هنرمندان برجسته این رشته، مهارت و کارایی خود را در رابطه با ارزش‌های انقلاب اسلامی مبذول داشته و در تجسم بخشیدن به نمادهایی روشن و صریح از اسلام، زندگی مردم، سنت‌های سالم و ادبیات انسانی این مرز و بوم کوشش می‌کنند.

زیربنای مینیاتور، طراحی است و قدرت قلم طراح در انتقال مفاهیم ذهنی بر روی کاغذ می‌تواند نقش مؤثری در بافت اثر و ارزش‌های آن داشته باشد. طرح‌های مینیاتور ایران، با بهره گرفتن از واقعیات و به مدد اندیشه هنرمندان، پیوسته در جهت تکامل گسترش یافته و غنای این هنر بیش‌تر از هر چیز، حاصل جست‌وجو و تلاش هنرمندان در زمینه دستیابی به فضای تازه‌تر است. شیوه‌های نقاشی در ایران بسیار متنوع است. هر یک از استادان معروف، تغییراتی در روش و شیوه‌هایی که از قبل خود متداول بود، وارد کرده‌اند. این روش‌ها را در طراحی مینیاتور می‌توان به طور کلی به سه دسته تقسیم کرد:

۱. طراحی رنگی: در این طرح‌ها، در بعضی از قسمت‌ها رنگ به کار رفته است. در این شیوه، از رنگ طلایی حتماً استفاده شده و زمینه طرح به حال خود باقی می‌ماند. قسمت‌های مختصری که رنگی است، از رنگ‌های جسمی و روحی همراه با هم استفاده شده، ولی اکثر کار با خطوط قلم‌مو طراحی شده است. طرح‌های رنگی بیش‌تر در دروه صفوی، در آثار رضا عباسی متداول گردید.

۲. طراحی بدون رنگ: این‌گونه طرح‌ها به‌طوری که از نام آن مشخص است فقط با قلم‌مو و رنگ سیاه روی زمینه‌های روشن کار می‌شود. این روش در تمام دوران مینیاتور ایران وجود داشته است. گاهی هم به جای رنگ مشکی از رنگ‌های تیره مثل رنگ قهوه‌ای، قرمز و آبی استفاده شده است.

۳. طراحی سفید قلم: طرح‌هایی که با قلم‌مو و رنگ سفید، روی کاغذ یا صفحه‌ی تیره‌رنگ کار شده باشد، طراحی سفید قلم نامیده می‌شود. در ابتدا این روش،